



سخن روز

## پروانه سفید برگ خوار بلوط و موضوع مدیریت پایدار زاگرس

پروانه سفید برگ خوار بلوط به صورت گسترده در بخش‌های جنوبی جنگل‌های زاگرس طغیان کرده است و طبق معمول، رسانه‌ها، طرفداران محیط‌زیست و لاجرم مسئولان ملی و منطقه‌ای پیگیر یک راه‌حل سریع و اورژانسی هستند. در حالی که با توجه به شرایط پیش آمده، بارها و بارها بر موضوع مدیریت پایدار اکوسیستم زاگرس و لزوم پذیرش یک رویکرد جامع حفاظتی و احیا، تأکید و اذعان شده بود، ظهور خشکیدگی‌ها و زوال ناشی از آفات و بیماری‌ها بیشتر به عنوان پدیده ثانویه حاصل از به هم خوردن شرایط اکولوژیک این رویشگاه‌ها مطرح است. با توجه به مطالعات پژوهشگران و به ویژه مطالعات و پایش آل‌منصور و همکارانشان در مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی فارس مشخص شده است، شرایط محیطی رویشگاه، زمینه‌ساز این نوع طغیان‌هاست. در این مطالعه به جمع‌بندی جالب توجهی اشاره می‌شود:

- ۱- این حشره در رویشگاه‌هایی با خاک فقیر و اقلیم خشک و گرم، گسترش پیدا می‌کند.
- ۲- این حشره در مراحل لاروی در سنین مختلف، در زیر پوستک درختان مسن و شکاف‌های ایجاد شده در آنها و حتی در سال‌هایی که طغیان روی می‌دهد، در شکاف خاک‌های سطحی، زیر برگ‌ها و شاخه‌های افتاده و خزان‌شده زمستان‌گذرانی می‌کند.
- ۳- این حشره دارای دشمنان طبیعی بسیاری است.
- ۴- این حشره برای تولیدمثل و تکثیر، ظرفیت بالایی دارد.
- ۵- جفت‌گیری در هر نسل از این حشره، یکبار اتفاق می‌افتد.

با توجه به یافته‌های خوب علمی پیرامون چرخه زندگی این حشره و شناسایی نقاط ضعف و قوت آن، همچنین نیازهای آن به شرایط اکولوژیک خاص، همان طور که پیش‌از این اشاره شد، دوباره بر جنگل‌های زاگرس و نحوه مدیریت آنها تأکید می‌شود. ساختار طبیعی جنگل‌های زاگرس تحت تأثیر برخورد ناپایدار انسان در قرن‌های گذشته، چرای مداوم دام، زراعت زیراشکوب و برداشت‌های مضاعف از درختان به طور کامل از بین رفته، لخت بودن خاک، خشک‌سالی‌ها، ظهور پدیده تغییر اقلیم و بارش‌های شدید و سیل‌آسا سبب شسته شدن خاک و فرسایش آن شده، تا جایی که ظرفیت حیاتی خود را اعم از مواد آلی، مواد معدنی و میکروارگانیزم‌ها از دست داده است. فقیر کردن خاک، ظرفیت زادوری از بذور را به جز در مناطق قرق‌شده یا در مناطق غیرقابل دسترس در عمل به صفر رسانده است و تکثیر، بیشتر به صورت شاخه‌زاد اتفاق می‌افتد، در نتیجه، جنگل به سمت تک‌درختان هم‌سال و کهن‌سال هدایت شده است، کاهش تنوع گونه‌های درختی و درختچه‌ای و گیاهان علفی زیراشکوب، امکان ایجاد آشیان اکولوژیک مختلف و متنوع را فراهم نمی‌کند، این آشیان‌ها، سبب حضور سایر حشرات و موجودات زنده می‌شوند که نقش دشمنان طبیعی را بازی می‌کنند. از طرفی با توجه به ظرفیت پایین رویشگاه و فقیر بودن آن از نظر ظرفیت حفظ رطوبت و مواد غذایی، تنه‌های باقی‌مانده درختی با ضعف‌های اکولوژیک و فیزیولوژیک روبه‌رو هستند و توانایی مقاومت در برابر خشکی، آتش‌سوزی و آفات را از دست می‌دهند. نبود ساختار طبیعی جنگل در این مناطق سبب بروز انواع زوال‌ها در آینده است. بنابراین، تا زمانی که دستگاه‌های مسئول پیشنهادهای علمی را برای نحوه مدیریت این جنگل‌ها جدی نگیرند، همه سال با این گونه پدیده‌ها روبه‌رو خواهند شد. در واقع، اکوسیستم زاگرس نیازمند یک مدیریت جامع با رویکرد حفاظت و احیاست تا ظرفیت اکولوژیک رویشگاه افزایش یابد و جنگل ساختار طبیعی خود را به دست آورد. در این شرایط با برقراری سیستم پایش دائمی می‌توان تغییرات جمعیتی آفات و بیماری‌ها را به‌طور مداوم بررسی کرد و در صورت یافتن نشانه‌های طغیان، با توجه به رفتارهای زیست‌شناختی احتمال طغیان را به حداقل رساند، با شناخت این رفتارها می‌توان برخی از گونه‌ها را با تکیه بر روش‌های تلفیقی بیولوژیک کنترل کرد، یا می‌توان آنها را از طریق کنترل نسل‌های زمستان‌گذران، استفاده از روش نر عقیمی، یا استفاده از تله‌های نوری و فرمون و تکیه بر دشمنان طبیعی کنترل کرد. بنابراین، تأکید دائمی به سازمان متولی، ضرورت پذیرش رویکرد مدیریتی یکپارچه حفاظتی و احیای جنگل‌های زاگرس و حذف عوامل تخریب از یک سو و حمایت از طرح پایش مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور از سوی دیگر، زمینه بازگشت این جنگل‌ها را فراهم می‌کند و از ظهور عوامل مختلف زوال جلوگیری خواهد کرد.